

بانک‌ها

و انواع صورت‌های مالی الزامی

کوروش شایان - محمد باقر آبادی

در دو سال اخیر بانک‌ها برای گزارشگری مالی با مشکلات عدیده‌ی ناشی از اختلاف نظر فی‌مابین نهاد ناظر (بانک مرکزی) نهاد استانداردگذار (سازمان حسابرسی) و سازمان بورس و اوراق بهادار مواجه بوده‌اند. عدم مدیریت صحیح چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی از جمله سهام‌داران، بانک مرکزی و سایر ذی‌نفعان برای بروز مشکلات زیاد و خسارات سنگین به کلیه استفاده‌کنندگان و از جمله مهم‌ترین آنان، یعنی سهام‌داران منجر شده است. از دلایل اصلی بروز این مشکل اساسی و بسیار حائز اهمیت ارائه‌ی دو نمونه صورت‌های مالی برای گزارشگری مالی بانک‌ها توسط بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار بود. در حالی‌که از اساس این دو سازمان تنها می‌بایست به‌عنوان ذی‌حق و استفاده‌کننده از اطلاعات مالی نسبت به تبیین و اعلام نیازهای اطلاعاتی خود به سازمان حسابرسی به‌عنوان مرجع ذی‌صلاح به‌موجب قانون موضوعی



صورت‌های مالی نمونه طراحی شده توسط بانک مرکزی دارای تفاوت‌های اساسی با صورت‌های مالی نمونه‌ی منطبق با استاندارد شماره یک حسابداری ملی و استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی است

مربوطه اقدام و برای رفع این نیازها درخواست پیش‌بینی و ارائه‌ی راهکار می‌کردند. اما این دو نهاد، هر یک خود را در جایگاه نهاد استانداردگذار قرار داده و به ارائه‌ی صورت‌های مالی نمونه برای بانک‌ها مبادرت و گزارشگری عمومی آن‌ها را منوط به رعایت فرم نمونه ارائه‌شده کردند. در حالی‌که بانک‌ها همچون سایر بنگاه‌های اقتصادی به‌موجب استانداردهای حسابداری مشمول استاندارد شماره یک حسابداری (نحوه‌ی ارائه‌ی صورت‌های مالی) هستند. از طرف دیگر و همزمان با این امر موضوع تهیه‌ی صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی نیز توسط سازمان بورس الزامی شمرده شد. بنابراین تکالیف گزارشگری مالی بانک‌ها چنین مقرر شد:

- ۱- صورت‌های مالی طبق استانداردهای ایران
- ۲- صورت‌های مالی الزام شده توسط سازمان بورس
- ۳- صورت‌های مالی الزام شده توسط بانک مرکزی
- ۴- صورت‌های مالی طبق الزامات

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS با توجه به مشکلات بالا در خصوص نحوه‌ی ارائه‌ی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری، وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس کل بانک مرکزی طی تفاهم‌نامه‌ی مشترکی نتیجه و جمع‌بندی ارائه کردند. متن کامل این تفاهم‌نامه که به تاریخ ۲۱ شهریورماه امضا شده به شرح زیر است:

به منظور حل و فصل مشکلات پیش‌آمده در تنظیم صورت‌های مالی و گزارش سالانه‌ی بانک‌ها که برگزاری مجامع عمومی را تحت تأثیر قرار داده و معطل گذاشته است، بررسی‌های کارشناسی به عمل آمد و نظرات کارشناسان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نتیجه و جمع‌بندی به شرح ذیل مورد توافق و تأیید می‌باشد:

۱. طبق قوانین و مقررات جاری کشور، مرجع رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی (تدوین استانداردهای ملی) سازمان حسابرسی می‌باشد، از طرف دیگر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد

ناظر بر بانکها از اختیارات قانونی در مورد نحوه‌ی ارائه‌ی صورت‌های مالی بانک‌ها و اجرای مقررات انضباطی و احتیاطی آن برخوردار بوده و بانک‌ها ملزم به رعایت مقررات و دستورالعمل‌های بانک مرکزی می‌باشند.

۲. در ترازنامه‌ی ارائه شده در دستورالعمل بانک مرکزی برای بانک‌ها، سرفصل «حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری» در قسمت بدهی‌های ترازنامه به صورت جداگانه، بعد از بدهی‌ها و قبل از «حقوق صاحبان سهام» درج گردیده که بایستی اصلاح شود و «حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری» در گروه بدهی‌ها و جزء بدهی‌ها البته به طور مشخص ارائه و درج گردد.

۳. «صورت تغییرات در حقوق صاحبان سهام» که در استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده است، در دستورکار سازمان حسابرسی قرار گیرد و پس از انجام بررسی‌ها و سیر مراحل، در استانداردهای ایران (استانداردهای ملی) پذیرفته شود.

۴. یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی که در دستورالعمل بانک مرکزی از بانک‌ها خواسته شده است (مبحث تشریح ریسک‌های بانک) در دستور کار سازمان حسابرسی قرار گیرد و پس از انجام بررسی‌ها و سیر مراحل، در استانداردهای ایران پذیرفته شود.

۵. «صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری» که در دستورالعمل بانک مرکزی ارائه شده است به دلیل اهمیت آن در بانکداری اسلامی به‌عنوان یکی از صورت‌های مالی اساسی توسط بانک‌ها برای سال مالی ۱۳۹۵ تنظیم و ارائه گردد.

۶. در موارد مزبور و مواردی که در آینده پیش می‌آید و الزامات بانک مرکزی برای بانک‌ها با استانداردها و ضوابط حسابداری و حسابرسی مطابقت کامل ندارد، حسابرس مستقل به منظور

انجام وظایف قانونی خود می‌تواند مواردی را که با استانداردها تطبیق ندارد و بنا به مقررات و دستورالعمل‌های بانک مرکزی رعایت گردیده در بند اظهارنظر گزارش حسابرسی، توضیح دهد.

۷. بانک‌ها موظفانند براساس موارد فوق صورت‌های مالی و گزارش سالیانه خود را (صورت‌های مالی سال ۱۳۹۵ و بعد از آن) تنظیم نمایند و همراه با گزارش حسابرسی با تأکید بر تنظیم یک صورت مالی و ارائه‌ی یک گزارش حسابرسی، جهت برگزاری مجمع عمومی هر بانک در اسرع وقت به مراجع ذی‌ربط ارائه نمایند.

در این نوشتار سعی شده است ضمن مقایسه‌ی اجمالی صورت‌های مالی تعریف شده به ضرورت‌ها، الزامات قانونی و تفاوت‌های فی‌مابین صورت‌های مالی پیشنهادی، هزینه‌های متأثر از این امر و راهکارهای مدیریت آن پرداخته شود.

مقایسه‌ی صورت‌های مالی نمونه بانک‌ها سازمان بورس با صورت‌های مالی استاندارد:

صورت‌های مالی پیشنهادی سازمان بورس مطابق با صورت‌های مالی استاندارد است و صرفاً در راستای یکنواختی سیاست‌های تهیه، موارد و حداقل‌های مورد نیاز برخی از عناصر و رویدادهای مالی مورد تأکید واقع شده است. اگرچه ضرورت داشت در احترام به قوانین و استانداردهای مربوطه و از آن‌جا که امر افشا و چگونگی کیفیت و کمیت آن به‌موجب استاندارد یک حسابداری تعریف و در حوزه‌ی صلاحیت مدیران واحد گزارشگر است، سازمان بورس به این بحث وارد نمی‌شود و صرفاً از جایگاه حقوقی خود و با استفاده از نظرات متخصصان امر و با آگاهی از نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان و ذی‌حقان از سازمان حسابرسی درخواست می‌کرد تعریف واضح‌تر و مشخص‌تری از الزامات

افشا را به‌منظور پاسخ‌گویی کامل‌تر به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان ارائه کند.

صورت‌های مالی الزام شده توسط بانک مرکزی:

صورت‌های مالی نمونه طراحی شده توسط بانک مرکزی دارای تفاوت‌های اساسی با صورت‌های مالی نمونه‌ی منطبق با استاندارد شماره یک حسابداری ملی و استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی است. اهم موارد اختلاف به‌شرح زیر است:

- پیش‌بینی یک طبقه‌ی جدید در سمت چپ ترازنامه تحت عنوان حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری،
- پیش‌بینی یک صورت جدید مالی تحت عنوان صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری با هدف تفکیک گزارشگری نتایج عملیات ناشی از وجوه مشاع و وجوه ملکی،
- الزام به ارائه‌ی صورت تغییرات در حقوق صاحبان سهام در انطباق با الزامات مقرر استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، و
- ارائه‌ی بخش نمونه‌ی گزارشگری ریسک و تعریف ریسک‌ها.

به‌رغم اختلافات اساسی بالا، نسبت به ارائه‌ی صورت‌های مالی نمونه‌ی تلفیقی اقدام نشده است. مشخص نیست که این امر به مفهوم مستثنی کردن بانک‌ها از تهیه‌ی صورت‌های مالی تلفیقی است و یا پذیرش فرمت صورت‌های مالی تلفیقی مورد عمل فعلی؟

- علاوه بر موارد بالا، بانک مرکزی تلاش کرده سیاست‌های افشا را ارتقا دهد و افشای مواردی همچون دارایی‌های فاقد استفاده در روند عملیاتی، کیفیت سود و استفاده از روشی نزدیک به روش مستقیم را که در تهیه‌ی صورت جریان وجه نقد به‌موجب استانداردهای حسابداری مورد عمل



صورت‌های مالی پیشنهادی سازمان بورس منطبق با صورت‌های مالی استاندارد است و صرفاً در راستای یکنواختی سیاست‌های تهیه، موارد و حداقل‌های مورد نیاز برخی از عناصر و رویدادهای مالی مورد تأکید واقع شده است

مجاز بوده، الزامی کرده است.

مهم‌ترین موارد صورت‌های مالی نمونه‌ی ارائه‌شده‌ی بانک مرکزی به شرح زیر است:

• بانک مرکزی در چارچوب اختیارات تعریف شده به‌موجب مواد ۳۳ و ۳۶ قانون پولی و بانکی مصوب تیر ماه ۱۳۵۱ و ماده‌ی ۹۷ برنامه‌ی پنجم توسعه و در راستای نقش مقررات‌گذاری و نظارتی خود بر نظام بانکی خود را محق به الزام نظام بانکی به تدوین و تهیه‌ی صورت‌های مالی جدید کرده است. در حالی که وظیفه‌ی تدوین استانداردهای حسابداری به‌موجب قانون تشکیل سازمان حسابرسی به‌عهده‌ی این سازمان محول شده است. و اگرچه در قانون تشکیل سازمان به صراحت بی‌اعتباری مقررات و قوانین مربوط در گذشته، اعلام نشده است. اما با در نظر گرفتن قاعده‌ی حقوقی که در هنگامی که پس از انتشار قانون مقرراتی تصویب شود، که با قانون سابق قابل جمع نباشد و یا با هم تناقض داشته باشند چون اجرای هر دو مورد امکان ندارد و معقول نیست که قانون‌گذار اجرای هر دو مورد را اراده کرده باشد. با توجه به این که قانون جدید آخرین اراده‌ی قانون‌گذار است، باید قانون جدید اعمال و قانون قدیم در موارد موضوعی فوق به‌طور ضمنی نسخ شود. می‌توان استنباط کرد که با توجه به محول کردن وظیفه‌ی استاندارد‌گذاری به سازمان حسابرسی، مواد یادشده در قانون پولی و بانکی نسخ و بانک مرکزی فاقد جایگاه حقوقی لازم جهت این امر است. افزون بر این، توجه به محتوای ماده‌ی ۹۷ که ناظر بر تقویت و اعمال سیاست‌های نظارتی جهت بانک مرکزی است و نه تدوین مقررات اجرایی، نیز مؤید این امر است.

• اصولاً صورت‌های مالی ترسیم‌گر محتوایی و نهایی وضعیت مالی، نتایج عملیات و جریان‌های نقدی ناشی از آن است که در یک تئوری مالی مشخص که

مبنای تعریف استانداردهای مالی مورد عمل است تهیه می‌شود. اما چارچوب نظری حاکم بر صورت‌های مالی نمونه‌ی ارائه‌شده توسط بانک مرکزی اعلام نشده است. صرفاً با توجه به تأکیدات به‌عمل آمده و طراحی صورت مالی اساسی جدید تحت عنوان صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری و همچنین تعریف یک طبقه‌ی جدید در ترازنامه تحت عنوان حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، به نظر می‌رسد طراحی به‌عمل آمده مبتنی بر تئوری بنگاه است. به‌موجب این نظریه، دارایی‌ها مساوی هستند با حقوق تأمین‌کنندگان منابع مالی که شامل سپرده‌گذاران و سهام‌داران است. در نتیجه سپرده‌گذاران به تناسب نقش خود در تأمین مالی از دارایی‌ها سهم می‌برند و مدیریت بانک موظف است همان حق و حقوقی را که برای سهام‌داران منظور می‌کند، برای سپرده‌گذاران نیز در نظر گیرد. چرا که منابع بانکی توسط هر دو گروه و به‌طور مشاع تأمین شده و در نتیجه سود حاصل از به‌کارگیری منابع مشترک باید به صورت منصفانه بین آن‌ها تقسیم شود. اگرچه این تئوری موجب روابط و هماهنگی ذی‌نفعان می‌شود و شرط آن وجود روابط شفاف بین ذی‌نفعان است. به‌نحوی که همه‌ی آنان بهره‌مندی خود را به‌صورت متعارف‌تری احساس کنند، اما تئوری انتخاب شده در انطباق با ماهیت حقوقی قراردادهای سپرده‌گذاری که در چارچوب رابطه‌ی وکالت است، نمی‌باشد.

• هدف از ارائه‌ی صورت‌های مالی تشریح ماهیت و محتوای معاملات و رویدادهای مالی و نه شکل آن‌ها است. از این‌رو، در هنگامی که آثار حسابداری هیچ‌یک از عقود اسلامی در انطباق با ماهیت آن‌ها اندازه‌گیری نمی‌شود. ارائه‌ی شکلی یک صورت مالی به نام صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری چه کمکی به استفاده‌کنندگان مالی می‌کند؟

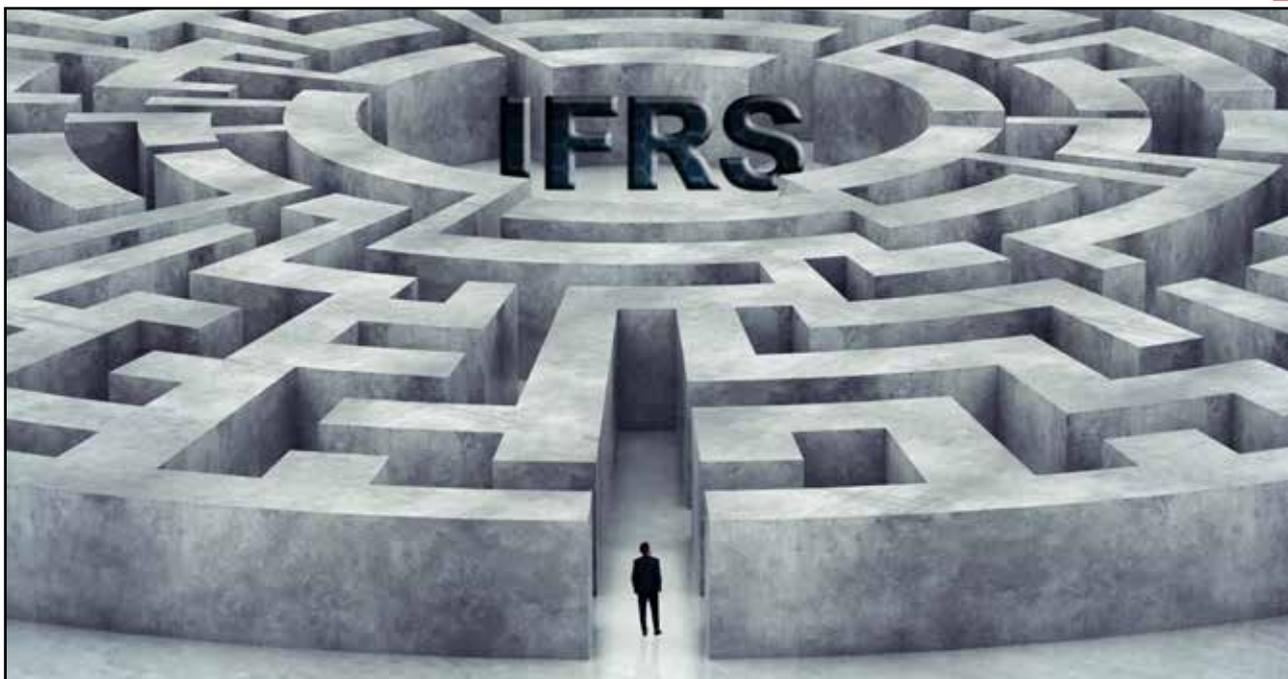
• در نمونه‌ی ارائه شده سعی در بهبود کیفیت اطلاعات مالی و ارائه‌ی شفاف‌تر نتایج حاصل از اخذ سپرده و نتایج حاصل از سرمایه‌گذاری شده است. اما به‌دلیل عدم ارائه‌ی کامل اطلاعات در خصوص نتایج و بازدهی حاصل از عملیات مختلف بانکی همچنان بخشی از ابهامات اطلاعاتی ذی‌نفعان از جمله نتایج وضعیت عملیاتی تسهیلات مشارکتی و سپرده‌های قرض‌الحسنه برقرار است. اگرچه بخشی از این محدودیت ناشی از قوانین اجرایی است، اما این امر نافه مفروضات و منجر به ارائه‌ی اطلاعات نادرست شده است.

◀ حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری

- به‌طور کلی ترازنامه‌ی هر بنگاه اقتصادی از دو بخش اصلی منابع و ادعاهای موجود بر آن‌ها تشکیل شده است. ادعاها از طرف دو گروه سهام‌داران و بستانکاران، شامل تأمین‌کنندگان کالا و خدمات و تسهیلات مالی، مطرح می‌شود. در حالی که صورت‌های نمونه‌ی بانک مرکزی در بخش ادعاها بر منابع دارای سه طبقه بوده، طبقه‌ی جدیدی تحت عنوان سپرده‌گذاران اضافه شده است. این سؤال مطرح می‌شود، که سپرده‌گذاران حائز چه ویژگی‌ها و یا امتیازاتی‌اند که دو گروه اصلی تعریف شده در سمت چپ ترازنامه، یعنی بستانکاران و صاحبان سهام، فاقد آن هستند. اصولاً در هر بنگاه اقتصادی ابتدا باید منافع اقتصادی حاصل از مصرف هر دارایی که از معاملات و یا سایر رویدادهای گذشته متأثر شده تأدیه و سپس رقم باقیمانده به صاحبان واحد تجاری تخصیص یابد. بنابراین طبقه‌ی جدید فاقد بار معنایی جدید و متمایز از طبقات موجود بوده و به‌دلیل عدم نقش متمایز از دو گروه دیگر مدعی بر منابع مالی نیازی به ایجاد آن نبوده است. و صرفاً مناسب‌تر بود که به‌دلیل



یکی از موارد مؤثر در بحث کاهش ارزش تسهیلات اعطایی بانک‌ها عدم ارزیابی و تایید تسهیلات به شکل سیستماتیک و منطقی است. ارزش وثایق یکی از عوامل مؤثر بر میزان ذخایر است تا زمانی که اندازه‌گیری ارزش وثایق بر اساس مبانی منطقی و معقول اعمال نشود نمی‌توان به ذخایر کاهش ارزش اندازه‌گیری شده اتکا کرد



اهمیت و جایگاه آن در ساختار تأمین مالی بنگاه‌های پولی تحت یک عنوان مستقل در گروه بدهی‌ها شناسایی و برحسب زمان تسویه در یکی از دو گروه بدهی‌های کوتاه‌مدت و یا بلندمدت طبقه‌بندی شوند.

- صورت‌های مالی اساسی تعریف شده به‌موجب استانداردهای حسابداری دارای کارکردهای مشخص و مهمی از قبیل بیان وضعیت مالی بنگاه در تاریخی مشخص، ارائه‌ی نتایج عملیات در دوره‌ای مشخص و انعطاف‌پذیری مالی در همان دوره است. صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری صرفاً بیان‌گر سهم سپرده‌گذاران از نتایج عملیات و بدون ارائه‌ی اطلاعات اساسی درباره‌ی چگونگی تحقق آن است. این صورت مالی با الهام از تئوری بنگاه طراحی شده، اما در طراحی این صورت به نقش محتوایی، و کارکرد هم‌پوشانی اطلاعات که صورت‌های مالی اساسی برعهده دارند توجه نشده است. لذا بهتر می‌بود با توجه به اهمیت سهم سپرده‌گذاران در تأمین مالی و حقوق متصوره برای آنان این اطلاعات به‌عنوان یک یادداشت

همراه صورت‌های مالی پیش‌بینی و افشا می‌شد. مضاف بر آن، در زمانی که حرکت به سمت رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در دستور کار است و از جمله بانک‌ها ملزم به رعایت آن در سال جاری شده‌اند، چرا می‌باید تهیه‌ی این صورت که منجر به فاصله‌ی بیش‌تر بین گزارشگری مالی در کشور با گزارشگری مالی بین‌المللی می‌شود، در دستور کار قرار گیرد؟

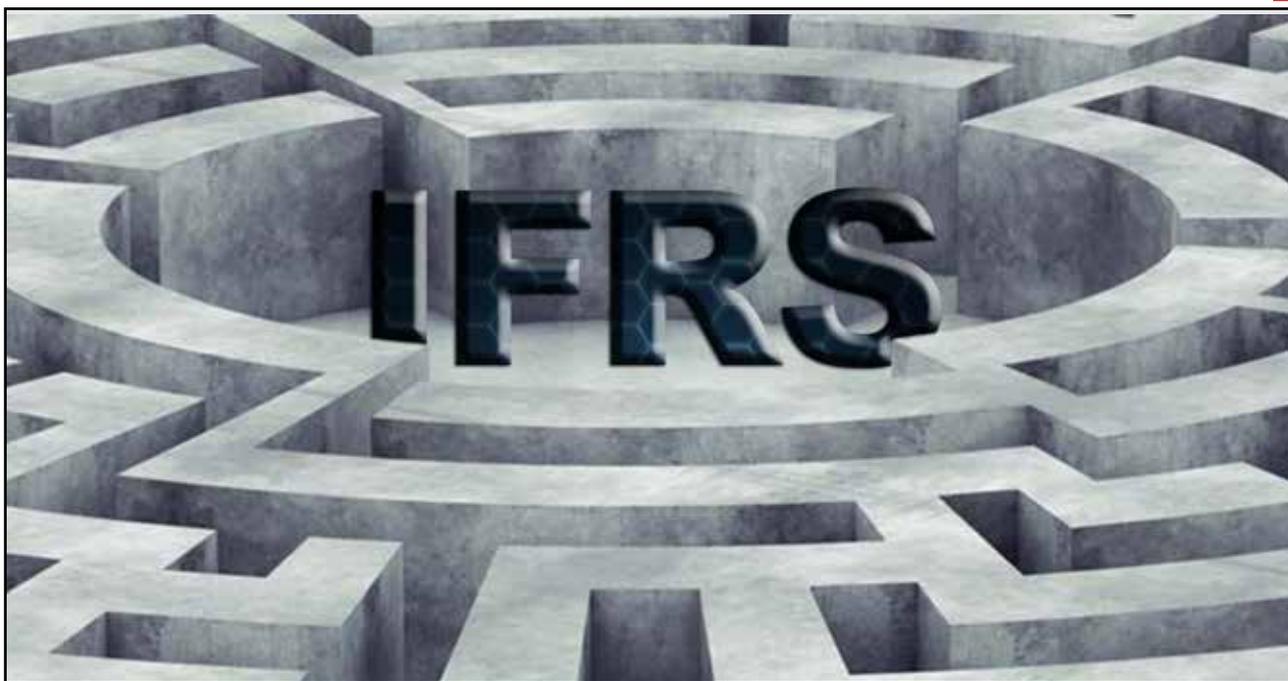
◀ صورت تغییرات حقوق صاحبان سرمایه

این صورت یکی دیگر از صورت‌های مالی الزامی طبق استانداردهای بین‌المللی حسابداری است، که در نسخه‌ی تجدیدنظر شده‌ی استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره یک (مصوب سال ۲۰۰۷) الزامات جدی‌تری در خصوص تهیه‌ی آن وضع شد. اما در استانداردهای حسابداری ایران، تهیه‌ی این صورت به علت آن که بخشی از این تغییرات در گردش حساب سودوزیان انباشته در ذیل صورت سودوزیان منعکس می‌شود و سایر تغییرات از جمله گردش حساب اندوخته‌ها و

حساب‌های مربوط به اقلامی که طبق استانداردهای حسابداری مستقیماً به حقوق صاحبان سرمایه منظور می‌شوند، و همچنین تغییرات ناشی از افزایش و یا کاهش سرمایه نیز در یادداشت‌های توضیحی مربوط افشا می‌شود. لذا به‌دلیل آن‌که تغییرات در حقوق صاحبان سهام در ایران محدود به موارد برشمرده بوده و بنگاه‌های اقتصادی به‌طور معمول با رویدادهایی از قبیل انتشار و بازخرید ابزارهای مالکانه، تغییرات ناشی از بازخرید سهام (سهام خزانه)، محدودیت‌های قانونی در اعمال روش تجدید ارزیابی ناشی از تکالیف مالیاتی مترتب و سودوزیان ابزارهای مصون‌ساز درگیر نیستند، در حال حاضر ضرورتی هم برای تهیه وجود ندارد. افزون بر آن، عدم پیش‌بینی تهیه‌ی صورت‌های مالی تلفیقی نیز دسترسی به یکی از اطلاعات بسیار مفید ناشی از تحصیل و واگذاری حقوق سهام‌داران فاقد کنترل را در صورت فوق از بین برده است.

◀ سایر اشکالات ناشی از فقدان تئوری منسجم:

- براساس یادداشت شماره ۵۶ صورت



مالی نمونه بانک مرکزی، تسهیلات اعطایی برای تسویه تسهیلات قبلی (استمهال) به عنوان معاملات غیر نقد بانک تلقی شده است در حالی که طبق استاندارد بین المللی شماره ۷ با عنوان جریان وجه نقد IAS7 معاملات غیرنقد صرفاً شامل معاملات بین طبقات سرمایه گذاری و تأمین مالی است. همچنین طبق بند ۵۵ استاندارد حسابداری شماره ۲ ایران نیز معاملات عملیاتی از دامنه مبادلات غیر نقد مستثنی شده اند.

از آن جا که اعطای تسهیلات و تجدید آن بخشی از فعالیت های عملیاتی بانک و مؤسسه مالی محسوب می شود نمی توان آن را برای یک بانک، معاملات غیر نقد تلقی کرد، لذا به رغم سودمندی این اطلاعات به نظر می رسد جایگاه فعلی اطلاعات مذکور در صورت های مالی نمونه با استانداردهای حسابداری بین المللی و ملی مطابقت ندارد. گفتنی است این اطلاعات در یادداشت شماره ۶۲-۳-۹-۱ صورت های مالی نمونه بانک مرکزی صفحه ۸۶ درج شده است و نیاز به تکرار آن در جای دیگری

نیست.

- براساس یادداشت ۵۶ صورت مالی نمونهی بانک مرکزی، افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی ها به عنوان معاملات غیرنقد بانک شناسایی و افشا شده است، در حالی که طبق بند ۵۶ استاندارد حسابداری شماره ۲ ایران، تغییرات در چارچوب حقوق صاحبان سرمایه که مبین طبقه بندی مجدد حساب های تشکیل دهنده ی حقوق صاحبان سرمایه است در زمره ی معاملات غیرنقدی مستلزم افشا تلقی نمی شود و از آن جا که سرمایه ی قانونی و مازاد تجدید ارزیابی هر دو در حقوق صاحبان سهام منعکس می شوند افزایش سرمایه از محل مازاد مذکور یک طبقه بندی مجدد بوده و طبق استانداردهای ملی به عنوان مبادلات غیر نقد تلقی نخواهد شد.

- در صورت های مالی نمونه ی ابلاغی بانک مرکزی طبقه ی فعالیت های عملیاتی صورت جریان وجه نقد به صورت ترکیبی از دو روش مستقیم و غیرمستقیم به صورت همزمان ارائه شده است. در حالی که در استاندارد

حسابداری شماره ۲ ایران و استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۷ صراحتاً اشاره شده است که واحدهای تجاری باید جریان های نقدی ناشی از فعالیت های عملیاتی را با به کارگیری یکی از روش های مستقیم و غیرمستقیم گزارش کنند. بنابراین استفاده از دو روش مستقیم و غیرمستقیم به صورت همزمان در متن صورت جریان وجه نقد منطبق با استانداردهای حسابداری نیست.

- صورت جریان وجه نقد در صورت های مالی ابلاغی بانک مرکزی با رویکرد استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به صورت ۳ طبقه ای ارائه شده است. در حالی که طبق استاندارد شماره ۲ حسابداری ایران بند ۱۴ صورت جریان وجه نقد در پنج طبقه تهیه می شود. با توجه به الزامات استاندارد در خصوص معیارهای تفکیک بخشی از فعالیت های ناشی از بازده سرمایه گذاری ها و سود پرداختی بابت تأمین مالی این امر منجر به کاهش کیفیت اطلاعات به دلیل عدم رعایت استاندارد می شود.

چالش‌های کلی نظام بانکی در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی: مدل کاهش ارزش تحقق‌یافته طبق الزامات IAS39:

پیاده‌سازی مدل مذکور در بانکها به دلایلی از جمله قضاوتی بودن، نبود زیرساخت فناوری اطلاعات IT مناسب با چالش روبه‌رو است. یکی از مشکلات اساسی بانکها و دیگر نهادهای مالی نزدیک شدن به تاریخ انقضای استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹ است (این استاندارد فقط تا پایان سال ۲۰۱۷ جاری است و از ابتدای سال ۲۰۱۸ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ جایگزین آن خواهد شد). یعنی به محض آشنا شدن بانکها با الزامات این استاندارد مجبور هستند الزامات این استاندارد را کنار گذاشته و با الزامات پیچیده ذخیره‌گیری طبق استاندارد IFRS9 دست و پنجه نرم کنند.

مطابق با مدل زبان تحقق یافته مد نظر استاندارد ۳۹، فقط زمانی می‌توانیم برای یک دارایی کاهش ارزش شناسایی کنیم که شواهد عینی از وجود رویداد زیان آور پس از شناسایی اولیه در دست باشد لذا شناسایی هرگونه زیان‌های احتمالی و آتی مجاز نیست، در حالی که اکنون در بانکها شناسایی ذخیره‌ی عمومی مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان یک زیان احتمالی در تضاد با استاندارد بین‌المللی ۳۹ است.

با توجه به تفاوت‌های رویکرد فعلی مقرراتی بانک مرکزی ایران و استاندارد بین‌المللی ۳۹ به نظر می‌رسد به دلیل عدم شناسایی ذخیره‌ی عمومی مطابق با مدل زبان تحقق یافته، الزام برای وجود شواهد عینی برای شناسایی کاهش ارزش و افزایش دامنه‌ی قضاوت و سوءاستفاده‌ی احتمالی از آن، مبلغ هزینه‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول (زیان کاهش ارزش) به شکل چشم‌گیری کاهش یابد. در نتیجه‌ی این کاهش،

سود بانکها افزایش پیدا کرده و بانکها مبلغ بیش‌تری را بین سهام‌داران توزیع کنند. مبلغ مازاد می‌تواند از مصادیق توزیع منافع موهوم باشد. تقسیم این گونه سودها می‌تواند منجر به تضعیف توان و بنیه‌ی مالی بانکها و افزایش ریسک سپرده‌گذاران شود.

افزایش سطح قضاوت: به دلیل وجود برآوردهای متعدد دامنه‌ی قضاوت در استانداردهای بین‌المللی بسیار بالاست و بسیاری از مفاهیم کیفی، نیاز به قضاوت مدیریت بانکها دارد. از طرفی قضاوت‌های با تفاوت معنادار حول محور یک موضوع واحد توأم با سوگیری می‌تواند مشکلات عدیده‌ی ایجاد کند. به‌عنوان مثال، الزامات استانداردهای بین‌المللی در خصوص برآورد هزینه‌های مرتبط با نقد کردن وثایق و یا برآورد و اندازه‌گیری صحیح وثایق و ارزش قابل تحقق آن‌ها، تعیین و برآورد مناسب هر کدام از موارد قید شده موضوعی چالش‌برانگیز است که دست مدیریت را برای بازی با سود باز می‌گذارد.

شواهد کاهش ارزش: شواهد عینی کاهش ارزش (که مورد تأکید استانداردهای بین‌المللی است)، عمدتاً کیفی بوده و نیاز به نظارت قوی بر مشتریان و جمع‌آوری مناسب و کامل اطلاعات مرتبط با آن‌ها و محیط اقتصادی پیرامونشان دارد. انجام صحیح این فرایند نیازمند طراحی دقیق فرآیندهای مختلف مالی و عملیاتی در بانکها است همچنین وجود سیستم‌های کنترل داخلی مناسب که از جمع‌آوری کامل و به‌موقع این اطلاعات اطمینان معقول حاصل کند در فرایند مذکور اهمیت ویژه‌ای دارد.

برای مثال یکی از شواهد عینی کاهش ارزش نقض مفاد قرارداد وام (مانند قصور در پرداخت اقساط توسط مشتری) است. در همین راستا بانک‌های بزرگی همچون HSBC گذشتن از مرز ۹۰ روز دیرکرد در پرداخت را به‌عنوان یکی از

شواهد کاهش ارزش در نظر گرفته‌اند. گفتنی است رویکرد کمی‌شده‌ی فعلی مورد استفاده در بانک مرکزی با استانداردها و رویه‌های روز مورد استفاده در عمل بانک‌های بین‌المللی همخوانی ندارد و نیازمند تعدیلات اساسی است. بدیهی است که در فرایند الگوبرداری، استفاده‌ی بدون تغییر از معیارهای بانک‌های خارجی بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های محیط اقتصادی خالی از اشکال نخواهد بود.

یکی از موارد مهم دیگر که در بحث کاهش ارزش وام‌ها مؤثر است داده‌های مربوط به رتبه‌بندی داخلی و خارجی مشتریان است که در ایران فقدان داده در این مورد به شکل جدی محسوس است. یکی از موارد مؤثر در بحث کاهش ارزش تسهیلات اعطایی بانکها عدم ارزیابی وثایق تسهیلات به شکل سیستماتیک و منطقی است. ارزش وثایق یکی از عوامل مؤثر بر میزان ذخایر است تا زمانی که اندازه‌گیری ارزش وثایق بر اساس مبانی منطقی و معقول اعمال نشود نمی‌توان به ذخایر کاهش ارزش اندازه‌گیری شده اتکا کرد.

پیاده‌سازی مدل زبان اعتباری مورد انتظار طبق الزامات IFRS9:

پیاده‌سازی این مدل نیاز به بستر نرم‌افزاری قوی دارد. همچنین در راستای اعمال مدل یاد شده، نیاز است تا بانک اطلاعات و داده‌های مختلف وام‌ها و... را به صورت دسته‌بندی شده و مرتب داشته باشد. در حال حاضر چنین اطلاعاتی در نظام بانکی کشور مهیا نیست. همچنین پیاده‌سازی این مدل می‌تواند سودوزیان بانکها را به شکل معناداری تحت تأثیر قرار دهد.

افشای ریسک‌ها: اطلاعات و نرم‌افزارهای لازم برای اندازه‌گیری و افشای ریسک‌ها وجود ندارد. همچنین استاندارد حسابداری یا دستورالعملی برای این موضوع موجود نیست. راهکار حل این مسأله افزایش سطح آموزش



صورت جریان وجه نقد در صورت‌های مالی ابلانی بانک مرکزی با رویکرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به صورت ۳ طبقه‌ای ارائه شده است. در حالی که طبق استاندارد شماره ۲ حسابداری ایران بند ۱۴ صورت جریان وجه نقد در پنج طبقه تهیه می‌شود

و ارتقای سیستمها و به کارگرفتن متخصصان حوزه ریسک در کنار حسابداران است.

« شناسایی درآمد تسهیلات: شناسایی درآمد وامها طبق الزامات استانداردهای بین‌المللی باید بر اساس نرخ بهره‌ی مؤثر باشد که آثار و نتایج آن می‌تواند با روش‌های فعلی متفاوت باشد و نیاز به سیستم‌هایی دارد که این الزامات در ساختار آن‌ها دیده شده باشد. در حال حاضر بانک‌های کشور درآمد را بر اساس نرخ‌های مندرج در قرارداد شناسایی می‌کنند. محاسبه‌ی نرخ مؤثر بهره به عوامل مختلفی از جمله شرایط اعطای تسهیلات بستگی دارد که در کشور ما بسیار مرسوم است (برای مثال در زمان اعطای تسهیلات، وام‌گیرنده ملزم به نگهداری سپرده نزد بانک می‌شود که این موضوع نرخ بهره‌ی مؤثر را تحت تأثیر قرار می‌دهد)

« اندازه‌گیری ارزش منصفانه: طبق الزامات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۷ بانک‌ها موظف خواهند بود ارزش منصفانه‌ی تسهیلات اعطایی و سپرده‌های پرداختی را در یادداشت‌های



اصولاً

صورت‌های مالی ترسیم‌گر محتوایی و نهایی وضعیت مالی، نتایج عملیات و جریان‌های نقدی ناشی از آن است که در یک تنوری مالی مشخص که مبنای تعریف استانداردهای مالی مورد عمل است تهیه می‌شود

صورت‌های مالی افشا نمایند که نیاز به پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی و به‌کارگیری نرخ تنزیل مناسب دارد.

« تجدید تسهیلات و استمهال وام‌ها: یکی از معضلات فعلی نظام بانکی که می‌تواند فرایند پیاده‌سازی صحیح الزامات استانداردهای بین‌المللی (به‌ویژه دو موضوع شناسایی درآمد وام‌ها و ذخایر کاهش ارزش) را به شکل جدی به چالش جدی بکشد و بر پیچیدگی‌های اجرایی آن بیفزاید، موضوع تجدید تسهیلات اعطایی یا استمهال آن‌هاست. گفتنی است بخش اعظمی از استمهال یا امهال‌ها به صورت تکلیفی از سوی مجلس و دولت به نظام بانکی کشور تحمیل می‌شود.

« جمع‌بندی

با توجه به موارد پیش‌گفته و با در نظر گرفتن هزینه‌های سنگین ناشی از عدم تعامل سازمان‌ها و نهادهای درگیر، به نظر می‌رسد که در صورتی که بانک مرکزی به‌عنوان مقام ناظر بر فعالیت‌های بانکی و سازمان بورس به‌عنوان حافظ حقوق سرمایه‌گذاران با

امعان نظر به ضوابط و مقررات قانونی کشور و با در نظر گرفتن جمیع امور از جمله حقوق سهام‌داران، نسبت به طرح نیازهای اطلاعاتی و مسائل و مشکلات موجود قبل از اقدام اجرایی نزد سازمان حسابرسی به‌عنوان مرجع ذی‌صلاح قانونی و جامعه‌ی حسابداران رسمی کشور به‌عنوان تخصصی‌ترین مرجع حرفه‌ای اجرایی کشور اقدام می‌کردند و از مراجع یادشده برای چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی جدید با توجه به مسایل و مشکلات صنعت پولی کشور کسب نظر می‌کردند، از بروز التهابات زیاد در جامعه‌ی اقتصادی کشور و در شرایط خاص زمانی امروز که بنگاه‌های اقتصادی با مسائل و مشکلات عدیده مواجه است، جلوگیری به‌عمل می‌آید. و متقابلاً شایسته می‌بود و در مرجع تخصصی و حرفه‌ای کشور نیز با اطلاع از نیازها و مشکلات جامعه اقتصادی کشور بطور مؤثرتر و جدی‌تر و با استفاده از توان تخصصی بالفعل و توان کلیه نیروهای متخصص کشور نسبت به چاره‌اندیشی و حل موضوع اهتمام می‌کردند. ■

